

بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح(ع) از نظر قرآن کریم و کتاب مقدس

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۵)

ناصر شمس بخش^۱

زهرا مطهری^۲

چکیده

دستورات الهی در طول زمان، در قالب کتب آسمانی متعددی به بشر ابلاغ شده است. دستورات و معارف این کتب محدود به زمان خود بوده‌اند و دستخوش تحریف هم شده‌اند. از آن جا که انسان به برنامه‌ای جامع و مصون از اشتباه نیاز دارد، خداوند قرآن کریم را به عنوان آخرین کتاب آسمانی برای هدایت انسان فرستاده است که در بردارنده معارف بسیاری است.

قصص قرآن از جمله داستان حضرت نوح(ع) از مواردی است که خداوند به وسیله آنها، انسان را به عبرت گرفتن از اقوام گذشته دعوت کرده و در بردارنده معارف و نکات تربیتی بسیاری است. این داستان در تورات با شباهت‌ها و اختلافات بسیاری نسبت به قرآن ذکر شده است.

در این مقاله، بیان شباهت‌های داستان در قرآن و تورات از جمله مراحل همچون نوع عذاب، ساخت کشتی، مسافران کشتی و ... بیانگر منشأ واحد برای این دو کتاب و اختلافاتی مثل پایان یافتن عذاب، مدت عمر حضرت نوح(ع) و ... بیانگر تحریف تورات است و قرآن با اصلاح آن، سیطره و هیمنه خود را به منصف ظهور می‌رساند.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، عهد عتیق، حضرت نوح، داستان پیامبران، تحریف.

مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی جامع دستورات و معارف خداوند متعال است و برای هدایت انسان و رسیدن به کمال، قوانین و دستورات منحصر به فردی ارائه کرده است. مجموعه این معارف در قرآن کریم گردآوری شده است. از آنجا که قبل از حضرت محمد(ص) پیامبران دیگری هم مبعوث شده‌اند، تعالیم قرآن کریم کامل کننده و یا نسخ کننده آموزه‌های کتب پیشین از جمله تورات است. قرآن کتابی هدایتگر برای جهانیان است و هر آنچه در آن یافت می‌شود، در راستای هدایت بشر است. از جمله مواردی که انسان را به تأمل و عبرت گیری فرا می‌خواند، سرگذشت حضرت نوح(ع) می‌باشد که در تورات باب ۶ تا ۹ سفر پیدایش هم ذکر شده است. چهره‌ای که تورات از ایشان معرفی می‌کند نقاط مثبت،

۱ - استاد مدعو دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره). nshamsbakhsh@yahoo.com

۲ - دانشجوی ارشد دانشکده علوم قرآنی تهران (نویسنده مسوول). fatemehmotahary@gmail.com

منفی و پاره‌ای نقدها را به دنبال دارد. داستان حضرت نوح(ع) در سوره‌های متعددی از قرآن کریم آمده است. هر چند که تورات (اصلی) و قرآن هر دو از سوی خدا برای هدایت بشر نازل شده‌اند، اما چون بعد از قرآن کتابی دیگر نازل نشده است، این مسأله ضروری به نظر می‌رسد که قرآن درصدد تکمیل و اصلاح پاره‌ای از احکام تورات برآید. برخی از اصول که متعلق به زمان نزول تورات بوده است، توسط قرآن نسخ شده است، زیرا با توجه به رشد فکری بشر آموزه‌های تورات کارایی خود را از دست داده‌اند و آموزه‌های قرآن که جاودانند، جانشین آن‌ها گردیده است.

در این پژوهش سعی داریم داستان ایشان را از سه جهت بررسی کنیم: بررسی جغرافیایی تاریخی زندگی ایشان و بیان این مسأله که تدبر در سرگذشت اقوام گذشته از نظر قرآن اهمیت دارد زیرا باعث عبرت‌گیری انسان می‌شود. در بخش بعدی شباهت‌های داستان در تورات و قرآن به منظور بیان الهی بودن منشأ این دو کتاب (قرآن و تورات اصلی) بیان می‌شود. در بخش آخر اختلافات داستان بررسی می‌شود تا به این نکته دست یابیم که هر چند این دو کتاب آسمانی منبعی الهی دارند، اما قرآن کریم در عین مصدق بودن بخشی از آموزه‌های تورات، بخشی دیگر را نسخ کرده و به گونه‌ای صحیح مطرح نموده است؛ زیرا قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی که برای همه مردم نازل شده است، لازم است جامع‌ترین و صحیح‌ترین آموزه‌ها را در اختیار بشر بگذارد. قرآن کریم مهیمن کتاب‌های آسمانی پیش از خود است و بر آنها اشراف و سیطره دارد، در نتیجه بعضی از احکام آنها را نسخ و بعضی دیگر را امضا و تحریف راه یافته در آنها را بیان می‌کند. قرآن این هیمنه را گاه از طریق قصص بیان می‌کند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

امروز که خاورشناسان مغرض در پی اثبات برتری یهودیت و تورات بر سایر ادیان به ویژه اسلام و قرآن هستند، وظیفه ماست که با منطق و استدلال، برتری و سیطره قرآن و اسلام را بر یهودیت و مسیحیت و عهدین ثابت کنیم، زیرا اگر معارف قرآن ناشناخته باقی بماند و هیمنه و سیطره قرآن نسبت به سایر کتب پیشین اثبات نشود، ممکن است انسان برای دستیابی به برنامه زندگی خود، ناخواسته از بعضی اندیشه‌های تحریف شده که در کتب قبل آمده است، پیروی کند و به گمراهی و ضلالت گرفتار شود. با توجه به اینکه حضرت نوح(ع) اولین پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت است و برای هدایت انسان‌ها مبعوث شده است، داستان زندگی ایشان در تورات و قرآن آمده است. نکته اساسی و مهم در این پژوهش بیان تفاوت‌های داستان می‌باشد که به نحوی بیانگر تحریف تورات و اثبات هیمنه قرآن بر تورات است زیرا برخی اختلافات پیش آمده در قصه حضرت نوح(ع) در تورات و عدم هماهنگی آن با قرآن، بیانگر آن است که این کتاب (تورات) نمی‌تواند کلام خداوند باشد بلکه توسط بشر نوشته شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: مقایسه داستان حضرت نوح(ع) در قرآن و تورات چگونه سیطره قرآن را اثبات می‌کند؟ و پرسش‌های فرعی آن « عبارتند از: جغرافیای تاریخی داستان حضرت نوح(ع) چیست؟ وجوه اشتراک داستان حضرت نوح(ع) در تورات و قرآن چیست؟ وجوه افتراق داستان حضرت نوح(ع) در تورات و قرآن چیست؟

داستان حضرت نوح(ع) علاوه بر قرآن، در تورات و تلمود هم با اختلافات بسیاری ذکر شده است. در همه تفاسیری که بر قرآن نوشته شده ماجرای حضرت نوح(ع) و رسالت ایشان به تفصیل آمده است از جمله تفسیر طبری، فی ظلال القرآن، المیزان، نمونه و ... همچنین کتب مختلفی در مورد زندگی حضرت نوح(ع) نوشته شده است از جمله سیمای نوح در ادیان الهی از محمد کاظم پورحسین، و ... از سوی دیگر نویسندگان و محققان تلاش‌هایی برای مقایسه تطبیقی داستان حضرت نوح(ع) در تورات و قرآن به انجام رسانده‌اند از جمله: مقایسه قصص در قرآن و عهدین، دکتر عباس اشرفی، که با هدف آشنا ساختن خوانندگان با قصه‌های کتب مقدس و به صورت تطبیقی نوشته شده است. داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی، محمد حمید یزدان پرست، با هدف مقایسه داستان پیامبران در عهدین، قرآن و ادبیات فارسی است. مقاله بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح(ع) تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش، عباس همایی، که به مقایسه این داستان در تورات و قرآن می‌پردازد و اصل را بر عدم تحریف قرآن می‌گذارد. مقاله کشتی نوح(ع) در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی، سید عبدالحمید حسینی زاده، با بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این داستان در نهایت به تفکر خالص اسلامی در مورد کشتی حضرت نوح(ع) می‌پردازد. گرچه در کتب پیش گفته وجوه اشتراک و اختلاف داستان حضرت نوح(ع) در قرآن و تورات آمده است، اما هدف ما در این مقاله آن است که با عنایت به این وجوه هیمنه قرآن بر سایر کتب پیشین ثابت شود، یعنی قرآن کریم درصدد تصحیح موارد انحرافی کتاب مقدس (عهدین) است. از این رو، حلقه‌های مطابق با واقع عهدین را قرآن تأیید می‌کند و فرازهایی که دستخوش تحریف شده است، اصلاح می‌کند. این تحقیق از جهت هدف بنیادی و داده پردازی در آن به شیوه تحلیلی است. از لحاظ موضوع نقلی و تفسیری می‌باشد و جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۱- جغرافیای محل زندگی حضرت نوح(ع)

منطقه جغرافیایی که پیامبران در آن مبعوث شده‌اند، از جمله مسائلی است که ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. از آن جا که آیات متعددی (عنکبوت آیه ۱۴، هود آیه ۴۰، مومنون آیه ۲۷ و ...) طوفان را مربوط به زمان حضرت نوح(ع) می‌دانند و گفته شده است که جنوب عراق محل زندگی قوم نوح(ع) بوده است (شوقی، ۱۳۸۸: ۲۱) می‌توان احتمال داد که ایشان از عراق برخاسته‌اند. بنابراین وقایع عذاب و شروع سیل هم در عراق بوده است. وقتی فرمان خداوند برای عذاب فرا رسید تنور فوران کرد. این اتفاق بعد از اتمام حجت و نصایح آن حضرت، به عنوان تنبیه مستکبران آن واقعه هولناک اتفاق افتاد. بدین معنی که آب از زمین جوشیدن گرفت و باران به شدت بارید و با این حادثه وحشتناک گمراهان به کیفر گناهان خود رسیدند.

اقوال مختلفی در مورد رابطه فوران تنور با شروع عذاب وجود دارد از جمله اینکه: بعضی گفته‌اند جوشیدن آب از درون تنور یک نشانه الهی بوده است برای نوح(ع) تا او متوجه جریان شود و خود و یارانش با وسائل و اسباب لازم بر کشتی

سوار شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۵۳/۹، ۹۷، ۹۸) بعضی دیگر احتمال داده‌اند که می‌توان تنور را به عنوان نماد و استعاره‌ای از غضب الهی، نسبت به قوم نوح(ع) دانست (عرب ۲۰۸:۱۳۹۰) ولی این احتمال قوی‌تر به نظر می‌رسد که تنور به معنی حقیقتی و معروف آن باشد و منظور از آن، تنور خاصی هم نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۵۳/۹، ۹۷، ۹۸)

۱-۱- داستان طوفان در سایر ملل

درباره طوفان نوح(ع) بیش از ششصد نوع مختلف افسانه و داستان گوناگون در میان اقوام و ملل باستانی رواج دارد که در چهار گوشه دنیا نسل به نسل به ارث رسیده است. داستان طوفان همچنین در برخی افسانه‌های اسکاتلندی و جزایر بریتانیایی (ولز) در نوردیدک ادا، در افسانه‌های لیتوانی و حتی در برخی از داستان‌هایی که ریشه چینی دارند نیز وجود دارد. (هارون یحیی، ۱۳۸۲: ۱۹). علاوه بر موارد فوق، داستان طوفان در سایر ملل هم آمده است. قدمای هند نیز وقوع طوفان را ثبت کرده و آن را به شکلی خرافی روایت کرده و هفت بار دانسته‌اند. (رشید رضا، بی تا، ۱۰۵/۱۲، طباطبایی، ۱۳۸۸: ۳۸۴/۱۰)

۱-۲- بررسی باستان‌شناسی محل کشتی نوح(ع)

براساس آیات قرآن کریم کشتی حضرت نوح(ع) بعد از پایان طوفان بر (کوه) جودی قرار گرفت. درباره جودی اقوال مختلفی وجود دارد که در اینجا به ذکر دو قول اکتفا می‌نماییم:

۱- طبق نظر علامه طباطبایی کلمه جودی به معنای مطلق کوه و زمین سنگی و سفت است. (همان: ۳۴۶/۱۰) ولی بعضی گفته‌اند کلمه مذکور بر همه کوه‌های دنیا اطلاق نمی‌شود بلکه نام کوه معینی در سرزمین موصل است (مغنیه، ۳۶۹/۱۳۷۷: ۴) و این کوه معین در یک رشته جبالی واقع شده که آخرش به سرزمین ارمنیه منتهی می‌شود که به سلسله جبال آرارات معروف است. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۳۴۶/۱۰)

۲- در ترجمه کلدانی و سریانی تورات، محل به خاک نشستن کشتی، قله کوه جودی یا جوردی معرفی شده است اما در ترجمه‌های فعلی، این محل را آرارات واقع در ارمنستان گفته‌اند. جای سوال است که چرا یهودیان درصدد تغییر مکان فرود آمدن کشتی نوح(ع) هستند؟ (ارجینی، طائب و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۴).

۲- شباهتهای داستان حضرت نوح(ع) در قرآن و تورات

شباهت‌هایی میان داستان حضرت نوح(ع) در قرآن و تورات موجود است که به آنها اشاره می‌شود:

۱-۲- رسالت حضرت نوح(ع)

خداوند در آیات متعددی از قرآن از رسالت حضرت نوح(ع) سخن به میان آورده است: (نوح آیه ۱، عنکبوت، آیه ۱، اعراف آیه ۵۹، هود آیه ۲۵، مومنون آیه ۲۳)

عهد عتیق ماجرای شرارت قوم نوح(ع) را این گونه بیان می‌کند:

«و خداوند پشیمان شد که انسان را بر روی زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت. و خداوند گفت: «انسان را که آفریده‌ایم از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چون که متأسف شدم از ساختن ایشان. اما نوح در نظر خدا التفات یافت. این است پیدایش نوح.» (تورات، سفر پیدایش ۶ - ۹ و ۵) و در مورد برگزیده شدن نوح(ع) از جانب خدا می‌گوید: «نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل و نوح با خدا راه می‌رفت.» (همان) «او تنها مرد درستکار و خداترس زمان خودش بود. او همیشه با خدا ارتباط داشت.» (ترجمه تفسیری تورات، ۶: ۱۰). طبق بیانات گفته شده در هر دو کتاب دعوت حضرت نوح(ع) از سوی خداوند بیان شده است اما در قرآن رسالت ایشان در ضمن آیات متعددی گفته شده است.

۲-۲- تبعیت نوح(ع) از فرامین الهی

حضرت نوح(ع) دعوت خود را با پرستش خدای یکتا و دوری و ترک بت‌ها آغاز کردند. ایشان در ضمن دعوت خود همانند سایر پیامبران، سختی‌های بسیاری را متحمل شدند، اما از دعوت خود دست برنداشتند. ایشان در مقابل آزارها و لجاجت‌های قوم، تسلیم نمی‌شدند و در مقابل با استواری و مقاومت بیشتری مردم را به راه راست رهنمون می‌شدند. در آیه‌ای از قرآن آمده است:

«فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.»؛ «و اگر روی گردانیدید مزدی از شما نمی‌طلبم. پاداش من جز بر عهده‌ی خدا نیست و مأمورم که از گردن نهندگان باشم.» (یونس آیه ۷۲). در مورد عبارت «امرت ان اکون من المسلمین» گفته شده است که یعنی من مأمورم از کسانی باشم که امور را تسلیم خدای تعالی کرده‌اند. چه آن که از امر خدا استکبار ندارند و تسلیم اسباب ظاهری نگشته و در برابر آنها خاضع نمی‌شوند و توقع نفع و ضرر از آنها را ندارند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۵۱/۱۰)

عهد عتیق در فرازهایی از اطاعت حضرت نوح(ع) از فرمان خدا سخن گفته است: «نوح موافق آنچه خدا او را امر فرموده بود عمل نمود.» (تورات، سفر پیدایش، ۶ - ۹ و ۵) یا در جای دیگر می‌گوید: «نوح چنین کرد و به هر چه خدا او را امر فرموده بود، عمل نمود.» (همان، ۶-۲۲). از بیان تورات و قرآن شباهت دیگری به دست می‌آید و آن گردن نهادن نوح(ع) در مقابل اوامر خداوند است.

۲-۳- ویژگی‌های قوم نوح(ع)

تمام پیامبران علاوه بر سایر مشکلاتی که در دعوت خود داشتند، از قبیل انکار پیامبری آنها و ... در میان مردمی مبعوث شده بودند که تیرگی و آلودگی گناه وجود آنها را فرا گرفته بود. قوم نوح(ع) هم مردمی بودند که خوی بت پرستی آنها را از پذیرش حق بازداشته بود. در این میان نقش سران و بزرگان قوم را نمی‌توان انکار کرد. قرآن از سران قوم با تعبیر ملاً یاد می‌کند. (مومنون آیه ۲۴، اعراف آیه ۶۰، هود آیه ۲۷، هودآیه ۳۸). علاوه بر بت پرستی که ویژگی قوم نوح(ع) بود خداوند در آیه‌ای آنها را مردمی فاسق معرفی می‌کند (ذاریات آیه ۴۶) در آیه‌ای دیگر آنان را مردمی کور معرفی می‌کند (اعراف آیه ۶۴) آنان مردمی جاهل نیز بودند (هود آیه ۲۹). همچنین قرآن کریم ویژگی‌های دیگری را برای قوم نوح(ع) ذکر می‌کند و آن تکذیب پیامبران است. (شعراء آیه ۱۰۵) ویژگی دیگر قوم نوح(ع) اطاعت از حاکمان زر و قدرت بود. (نوح آیه ۲۱).

تورات قوم نوح(ع) را این گونه وصف می‌کند:

«و زمین نیز به نظر خدا فاسد گردیده و زمین از ظلم پر شده بود و خدا زمین را دید که اینک فاسد شده است، زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند و خدا به نوح گفت انتهای تمامی بشر به حضورم رسیده است. زیرا که زمین به سبب ایشان پر از ظلم شده است و اینک من ایشان را با زمین هلاک خواهم ساخت.» (سفر پیدایش ۶-۱۳، ۱۱) از جمله نقاط مشترک تورات و قرآن فسق و فساد مردم زمان نوح(ع) است.

۲-۴- ساخت کشتی

از مراحل بسیار سخت و پررنج زندگی حضرت نوح(ع) سال‌های ساخت کشتی بود. البته این مأموریت الهی، پس از آن آغاز شد که حضرت نوح(ع) به وحی الهی از هدایت قومش ناامید شده بود و تهدیدها و آزار و شکنجه‌ها به اوج خود رسیده بود. (قنادی، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

در عهد عتیق آمده است که خداوند به نوح(ع) می‌گوید: پس برای خود کشتی‌ای از چوب کوفر (چوب درخت سرو) بساز و حجرات در کشتی بنا کن و درون و بیرونش را به قیر ببند (سفر پیدایش، ۶: ۱۴). در قرآن کریم خداوند هم امر به ساختن کشتی توسط نوح(ع) را تأیید می‌کند و در آیاتی به شرح آن می‌پردازد (هود آیه ۳۶ و ۳۷) ضمن اینکه ساخت کشتی طبق نظارت و وحی الهی انجام گرفته است (هود آیه ۳۷ و مومنون آیه ۲۷). همانگونه که دیدیم در هر دو کتاب، ساختن کشتی برای عذاب مردمان فاسد بیان شده است، همچنین از فرمان خدا برای ساختن کشتی و چگونگی ساختن سخن به میان رفته است.

۲-۵- مسافران کشتی

قرآن درباره مسافران کشتی به صراحت در آیه ۴۰ سوره هود سخن گفته است در مورد واژه اهل گفته شده که عبارتند از افرادی که مختص وی باشند نظیر همسر و فرزند و همسر فرزندان و اولاد آنان (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۳۴۱/۱۰) در آیه ۲۷ سوره مومنون هم سخن از مسافران کشتی به میان آمده است. در تفسیر فاسلک فیها من کل زوجین اثنین (در این آیه) گفته شده قرائتی که بین همه قراء دایر و رایج است این است که کلمه کل را تنوین می دهند نه اینکه به طور اضافه بخوانند، در نتیجه ناگزیر چیزی در تقدیر گرفته می شود و تقدیر من کل نوع زوجین، دو جفت از هر نوع حیوان خواهد بود و سلوک در کشتی به معنای راه دادن و داخل کردن در آن است و ظاهراً کلمه من برای ابتدای غایت باشد و معنا این باشد که دو جفت نر و ماده از هر نوع داخل کشتی کن. (همان ۳۹/۱۵).

عهد عتیق در مورد مسافران کشتی می گوید: «لکن عهد خود را با تو استوار می سازم و به کشتی درخواستی درخواهی آمد. تو و پسرانت و زوجهات و ازواج پسرانت با تو. و از جمیع حیوانات از هر ذی جسدی، جفتی از همه به کشتی درخواستی آورد تا با خویشتن زنده نگاه داری، نر و ماده باشند. از پرندگان به اجناس آنها و از بهایم به اجناس آنها، از همه حشرات زمین به اجناس آنها، دو از همه نزد تو آیند تا زنده نگه داری. و از هر آذوقه ای که خورده شود، بگیر و نزد خود ذخیره نما تا برای تو و آنها خوراک باشد. پس نوح چنین کرد و به هر چه خدا او را امر فرمود عمل نمود.» (سفر پیدایش ۶: ۲۲-۱۸) و خداوند به نوح گفت: «تو و تمامی اهل خانه ات به کشتی درآیید، زیرا تو را در این عصر به حضور خود عادل دیدم و از همه بهایم پاک هفت هفت، نر و ماده با خود بگیر و از بهایم ناپاک دو دو، نر و ماده و از پرندگان آسمان نیز هفت هفت، نر و ماده را، تا نسلی بر روی زمین نگاه داری.» (همان، ۳: ۷-۱)

«از بهایم پاک و از بهایم ناپاک و از پرندگان و از همه حشرات زمین دو دو نر و ماده نزد نوح به کشتی درآمدند چنانچه خدا نوح را امر کرده بود.» (همان، ۷: ۸-۹).

۲-۶- نوع عذاب

در عهد عتیق بعد از فرمان ساخت کشتی، از عذابی که قرار است قوم نوح(ع) را به هلاکت برساند سخن گفته است: «... اینک من طوفان آب را بر زمین می آورم تا هر جسدی را که روح حیات در آن باشد، از زیر آسمان هلاک گردانم و هر چه بر زمین است، خواهد مرد.» (همان، ۱۷: ۶)

قرآن در این مورد هم تأیید کننده قول تورات است. قرآن یک بار هنگامی که از طوفان نوح(ع) سخن می گوید (عنکبوت، آیه ۱۴) و بار دیگر هنگامی که از یکی از عذاب هایی سخن می گوید که مصریان بدان مبتلا شدند (اعراف، آیه ۱۳۳) واژه طوفان را به کار می برد. (دنیز ماسون، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۲۲). در آیه ۴۰ سوره هود به عذاب قوم نوح اشاره شده است: عیال نوح(ع) مشغول پختن نان بود در محلی که معروف به فارالتنور است عیال نوح(ع) فریاد کرد از تنور آب می جوشد.

نوح(ع) به سوی تنور رفته با قطعه گلی سوراخی را که آب از آن می‌جوشید مسدود نموده، مشغول به کار کشتی و سوار نمودن حیوانات شد که برای هر نوع از آنها مکان مخصوص تهیه نموده و علوفه و وسیله‌ی تغذیه آنها را هم فراهم کرده بود. همین که از سوار کردن آنها فراغت حاصل نمود و مومنین و اصحابش هم در جای خود مستقر گشتند نوح(ع) گل را از سوراخ تنور برداشت که ناگاه آب به شدت هر چه تمام‌تر جوشید و جاری گشت. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۶۷/۳) و در آیه ۲۷ سوره مومنون هم همین مطلب به گونه‌ای دیگر نقل شده است. قرآن در آیات متعددی در بیان داستان حضرت نوح(ع) واژه‌ی فلک را به معنی کشتی به کار برده است. (مومنون آیه ۲۷، اعراف آیه ۶۴، یونس آیه ۷۳، هود آیه ۳۸، شعرا آیه ۱۱۹). از آنجایی که کشتی با طوفان تناسب دارد و به وسیله آن از غرق شدن در آنها می‌توان نجات یافت، پس عذاب قوم نوح(ع) طوفان بوده است. از آیات ۱۴-۱۱ سوره قمر هم می‌توان استفاده کرد که عذاب بارانی سیل آسا (طوفان) بوده است و نوع عذاب یکی دیگر از شباهت‌های قرآن و تورات است.

۲-۷- چشمه‌های عظیم

طبق نظر تورات «در سال ششصد از زندگانی نوح(ع) در روز هفدهم از ماه دوم، در همان روز جمیع چشمه‌های لجه عظیم شکافته شد و روزنه‌های آسمان گشوده شد و باران چهل روز و چهل شب بر روی زمین می‌بارید.» (سفر پیدایش ۷، ۱۳-۱۱). قرآن ضمن تأیید این قول تورات (چشمه‌های عظیم) شرح ماجرای عذاب را به گونه‌ای زیبا و در چند آیه شرح می‌دهد. قرآن در دو آیه با سخن گفتن از کوره‌ای (تنور) که می‌جوشد (از فعل فار) به شروع طوفان اشاره می‌کند:

«فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ» چون زمان ما، در رسید و تنور به فوران آمد». (مومنون، آیه ۲۷) قرآن کریم اشاره‌ای گویا و تکان دهنده به کیفیت عذاب آنها کرده می‌فرماید: «فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ» «پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم» (قمر، آیه ۱۱).

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ» «تا آنگاه که فرمان مادر رسید و تنور فوران کرد» (هود، آیه ۴۰). هنگامی که آب از درون تنور که معمولاً مرکز آتش است جوشیدن گرفت نوح(ع) و یارانش متوجه شدند اوضاع به زودی دگرگون می‌شود و انقلاب و تحول نزدیک است. (آب کجا و آتش کجا) همین موضوع اخطار و علامتی بود برای نوح(ع) و یارانش که برخیزید و آماده شوید!

۲-۸- فرو نشستن آنها

اکنون وقت آن رسیده است که بار دیگر نسل بشر، در زمین فرو آید و ساکنان کشتی، آن را ترک کرده و در زمین زندگی کنند. باید محیط زمین به فرمان الهی آماده زیست باشد و آنها بار دیگر به جای خود بازگردند. از این رو، فرمان نافذ الهی صادر شد که زمین آبهای خود را فرو بلعد و آسمان از ریزش باز ایستد. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۴۲/۱۱) چنانچه می‌فرماید: «وَوَاصِلًا

قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ. وَ يَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ. (هود، آیه ۴۴). بیان ماجرای فرو نشستن آبها در تورات تقریباً با بیان قرآن تفاوتی ندارد و در (سفر پیدایش ۸: ۳-۱) به آن اشاره شده است.

۲-۹- فرار گرفتن کشتی بر فراز کوه

وقتی بارش باران بند آمد و آبهای زمین فرو رفت، کشتی نوح(ع) بر بالای کوه جودی (کوهی بزرگ در موصل) قرار گرفت. پس از آن خداوند متعال، جبرئیل را مأمور کرد تا آنها را به سوی دریاها اطراف زمین جریان دهد. (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۴۳)

تورات فرار گرفتن کشتی را بر روی کوه آرات می‌داند: «و روز هفدهم از ماه هفتم کشتی بر کوه‌های آرات قرار گرفت.» (سفر پیدایش ۸: ۴)، احتمال دارد کوه آرات همان کوه جودی باشد که در آیه ۴۴ سوره هود به آن اشاره شده است.

۲-۱۰- کثرت نسل نوح(ع)

کافران نابود شدند و مومنان نجات پیدا کردند فرمان خروج از کشتی صادر شد (آیه ۴۸ سوره هود).

در آیه‌ای دیگر یادآور می‌شود: که ای نوح(ع) هنگام پیاده شدن، خدا را سپاسگزار باش که شما را از چنگال ظالمان نجات داد. (مومنون، آیات ۲۸-۲۹). تورات بیان خود را در مورد وقایع بعد طوفان این گونه شرح می‌دهد: «و خدا نوح(ع) و پسرانش را برکت داده، بدیشان گفت. بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید. (سفر پیدایش ۹: ۱). بنابراین آخرین شباهت را می‌توان بارور شدن و کثرت بشر از نسل نوح(ع) دانست.

۳- اختلافات داستان حضرت نوح(ع) در قرآن و تورات

اختلافات داستان در تورات و قرآن بسیار زیاد است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۳-۱- اختلاف در معرفی توحید

مسأله توحید به صورت کاملاً مبسوط و روشن و واضح در قرآن ذکر شده است زیرا قرآن تکمیل کننده‌ی سایر کتب پیشین است به عبارت دیگر قرآن درصدد تکمیل و اصلاح کتب قبل به وجود آمده است.

قرآن به عنوان آخرین کتاب، عقاید باطل ادیان گذشته را اصلاح می‌کند که خدا جز معبود یکتا نیست (توبه آیه ۱۲۹، آل عمران آیه ۶۲، طه آیه ۱۴ و ...). و عقاید باطل دیگر مثل جسمانیت خدا یا تثلیث در مسیحیت را رد می‌کند. (نساء آیه ۱۷۱، توحید آیه ۳). بنابراین یکی از اصول مشترک در رسالت پیامبران دعوت به توحید است. اولین دعوت پیامبران و پایه دعوت همه پیامبران توحید بوده است. (نحل آیه ۳۶، انبیاء آیه ۲۵، اعراف آیه ۵۹، هود آیه ۸۴ و ...). هنگامی که حضرت نوح(ع) به عنوان اولین پیامبر صاحب شریعت مبعوث شدند، دعوت خود را با پرستش خدای یکتا آغاز کردند که در آیات

متعددی از قرآن کریم آمده است. (نوح آیه ۴-۲، ۱۳-۱۶، هود آیه ۲۶، مومنون آیه ۲۳، اعراف آیه ۵۹). در مقابل هنگامی که به مطالعه تورات، به عنوان یکی از کتب آسمانی می‌پردازیم، با خدایی عجیب و متفاوت روبرو می‌شویم. در تورات در ضمن داستان حضرت نوح(ع) تعابیر مناسبی در مورد خداوند به کار نرفته است او کسی است که جهانی می‌آفریند و از آفریده‌اش ملول می‌شود. (سفر پیدایش ۶:۶) از سوی دیگر برای شناخت خداوند و رهایی از انحرافات باید انبیا را هم شناخت.

۳-۲- اختلاف در اوصاف نبی (نبوت)

هنگامی که قرآن از پیامبران آسمانی سخن می‌گوید آنان را با هر نوع صفت نیک انسانی که شایسته آنها است و لازمه پیغمبری و سعادت الهی می‌باشد یاد می‌نماید و فضائل اخلاقی و سجایای انسانی را برای آنان ثابت می‌داند (خوئی، ۱۳۸۵:۶۷). به عنوان نمونه درباره حضرت نوح(ع) فضیلت‌های بسیاری را بیان می‌کند از جمله سلام خداوند به حضرت نوح(ع) (صافات آیات ۷۹ و ۱۲۰، ۱۰۹) مقام صلاح، شکر و احسان حضرت نوح(ع) (تحریم آیه ۱۰، اسراء آیه ۳، صافات، آیه ۸۰-۷۹) هشدار دهنده‌ای آشکار (هود آیه ۲۵، شعرا، آیه ۱۱۵، نوح آیه ۲) منادی پروردگار (صافات آیه ۷۵) تکذیب شده (اعراف آیه ۶۴، یونس آیه ۷۳، حج آیه ۴۲، ص آیه ۱۲، ق آیه ۱۲، قمر آیه ۹، شعرا آیات ۱۰۵ و ۱۱۷) توکل کننده بر خدا (یونس آیه ۷۱)، مشمول هدایت الهی (انعام آیه ۸۴)، اما سخنان زشت و سخیف تورات، فقط در مورد خدا خلاصه نمی‌شود، بلکه زشت‌ترین و شنیع‌ترین نسبت‌ها را به پیامبران خدا (از جمله حضرت نوح(ع)) نیز روا داشته‌اند. (حسین زاده، ۱۳۸۳:۱۲۰ و سفر پیدایش ۹: ۲۵۰-۲۰). نویسنده کتاب دنیا بازیچه یهود در این باره می‌نویسد:

«یهود این صفات زشت را به پیامبران نسبت داده تا میدان گناه برای آنها باز باشد و دامن خود را از هر گونه آلودگی و معصیتی پاک بنماید تا کسی نتواند به آنها اعتراض کرده و آنها را سرزنش کند و برای گناه و معصیت آزاد بوده و اگر کسی معترض آنها شد، بگویند: مگر پیامبران خدا چنین نمی‌کردند؟ ما هم این اعمال را از آنها آموخته و انجام می‌دهیم ولی انبیاء اولوالعزم از نظر عقل و منطق از همه دروغ‌ها و افسانه‌ها مبرا و منزّه هستند، زیرا آنها معصوم بوده و هیچ عمل زشتی را انجام نمی‌دهند.» (حسینی شیرازی، ۱۳۸۰:۱۱). بر پایه گزارش عهد قدیم، نیکوکاری حضرت نوح(ع) را نسی و او را سرآمد خوبان آن روزگار می‌داند. باوری که هرگز به معنی نیکوکاری مطلق او نیست. (شفیعی ۱۳۹۵: ۲۸۹) «نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل.» (سفر پیدایش، ۹:۶). تورات نسب حضرت نوح(ع) را بیان می‌کند. «لمک پسر متوشالچ، پدر نوح(ع) می‌باشد.» (همان، ۵: ۳۱-۲۸) و اشاره‌ای به اینکه ایشان از انبیای اولوالعزم است نمی‌کند. در حالی که در قرآن گزارشی از نام پدر و مادر نوح(ع) به چشم نمی‌خورد. (شفیعی، همان کتاب، ص ۲۹۳). شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «قرآن روی مسائلی که از نظر هدایت و تعلیم و تربیت و اصلاح نفوس مردم اثری ندارد -مثل اسم‌ها- تکیه نمی‌کند...». (مطهری، ۱۳۸۸/۱۵۲-۱۵۱) چون قرآن کتاب نسب شناسی نیست و هدف آن تربیتی و هدایتی است نه قوم شناسی و نسب شناسی. (اشرفی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). بعضی رسالت حضرت نوح(ع) را از جمله اختلافات می‌دانند به

عنوان نمونه گفته شده که در تورات اشاره‌ای به نبوت حضرت نوح(ع) نشده است (یزدان پرست، ۱۴۰:۱۳۸۴) و به نوح(ع) رتبه نبوت نداده است. (خزایلی، ۱۳۷۱: ۶۴۱).

۳-۳- اختلاف در معاد

یکی از پایه‌های اعتقادی یا به عبارت دیگر یکی از اصول دین معاد است. در مورد اهمیت معاد گفته شده است که «اعتقاد به معاد در هر آیینی که پیوندی با آسمان دارد یک عنصر اساسی است و به منزله‌ی ستون فقرات آن به شمار می‌رود...» (سبحانی تبریزی، معادشناسی، ص ۴۸). آیات بسیاری در قرآن در مورد معاد است (الحاقه آیات ۲۷-۲۰، ملک آیات ۱۱-۶، تغابن آیه ۱۲ و ...) تعداد این آیات ۱۲۰۰ آیه دانسته شده است. (مکارم شیرازی، ۵: ۸/۱۳۷۷) تقریباً معادل یک سوم آیات قرآن و مرحوم علامه مجموع آیات مربوط به جهان پس از مرگ را در حدود ۲۰۰۰ آیه می‌دانستند در حالی که برخی با شمارش دقیق‌تر آن را ۱۴۰۰ آیه می‌دانند (سبحانی، بی تا: ۱۱/۵). معاد در برنامه کار همه پیامبران بوده است و هدف آنان، قیام مردم به قسط است و عاملی که سبب تحقق این هدف والا می‌شود، یاد معاد و روز حساب است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰/۴) حضرت نوح(ع) همچون سایر پیامبران سعی نمود قومش را هر چه بیشتر با دو اصل توحید و معاد آشنا بسازد. (نوح آیه ۱۷-۲۰، اعراف آیه ۵۹، هود آیه ۲۶). در داستان حضرت نوح(ع) در تورات عبارتی در مورد معاد به چشم نمی‌خورد. در مورد معاد در تورات گفته شده است که اعتقاد به معاد به صورت مبهم ذکر شده است. (دنیز ماسون، ۱۳۸۹: ۸۷۶/۱). علت این مسئله ممکن است مادی گرایی یهود باشد همان طور که گفته شده: «در تورات کمتر از قیامت ذکری به میان آمده است و مسئله معاد در بین یهودیان عقیده راسخ و مهمی نمی‌باشد و شاید همان گرایش این جهانی و علاقه به پول و مظاهر مادی آنان باعث بوده است که حساب اعمال و مجازات قیامت را ناچیز انگارند تا به تصور خود بتوانند با حيله و تجاوز در زراندوزی پیش تازند. (باهنر، ۱۳۶۱: ۳-۵۲). بنابراین یهود آن طور که باید به معاد معتقد نیستند. در عهد عتیق به ندرت از حیات اخروی با صراحت یاد شده است، اکثر وعده‌هایی که در آن بر انجام واجبات الهی داده شده، مربوط به بازگشت ایشان به زمین مقدس و بهره مند شدن از نعمت‌ها و برکات بی پایان آن می‌باشد و شاید دست تحریف، نصوص مربوط به زندگی اخروی را از صفحه این کتاب محو کرده باشد. (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷: ۵۰). همچنین گفته شده است که تورات یکی از اصولی‌ترین معارف دین -یعنی مسأله معاد- را به کلی مسکوت گذاشته و درباره آن هیچ سخنی نگفته، با اینکه دین بدون معاد، دین استواری نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۵، ۳۹۸)

۳-۴- اختلاف در بیان جزئیات داستان حضرت نوح(ع)

در این قسمت وجوه اختلاف را در ضمن داستان بیان می‌کنیم. اولین اختلافی که در این زمینه مطرح می‌کنیم، این است که تورات نام پسران حضرت نوح(ع) را مطرح می‌کند (سفر پیدایش ۶: ۱۰ و ۶: ۱۱) شاید به این علت که یهود به دنبال نسب نامه برای خویش است به همین علت این مسئله را مطرح کرده، در حالی که در قرآن نام آنها نیامده است. همچنین هنگامی که از فساد زمین (همان ۶: ۱۱) صحبت می‌کند، از محتوای دعوت حضرت نوح(ع) و استدلال‌ها و دلایل منطقی

و محکم ایشان در برابر قوم خود صحبتی نمی‌کند در حالی که قرآن به این مسأله پرداخته است، زیرا قرآن در صدد بیان تلاش‌های نوح(ع) برای هدایت قوم و خداپرستی آنان است، زیرا سعادت انسان‌ها امر مهمی است و قرآن هم چون کتاب هدایتگری است، به صورت مفصل این مسأله را مطرح نموده است. در حالی که تورات فعلی کتابی برای هدایت نیست، در نتیجه از روند تلاش انبیاء برای هدایت مردم خالی است. همچنین برخی موارد فقط در قرآن ذکر شده است: مثل دعوت به پرهیزگاری و تقوا (شعراآیه ۱۱۰-۱۰۶ نوح آیه ۳) انذار و هشدار (نوح آیه ۱ و ۳) دعوت به توبه و رحمت خداوند (نوح آیه ۱۲-۸) اعتراض‌ها و بهانه‌گیری‌های قوم و پاسخ حضرت نوح(ع) (اعراف آیه ۶۰، هود آیه ۲۷-۲۸، مومنون آیه ۲۴، پاسخ حضرت به آنان اعراف آیه ۶۳ و آیات بسیار دیگری که ایشان را مجنون و دیوانه و دروغگو خواندند) تلاش‌های شبانه روزی حضرت نوح(ع) (نوح آیه ۶ و ۵ و ۲۶-۲۷ هود آیه ۳۶ شعراآیه ۱۱۸ و ۱۱۷) ساخت کشتی و مسخره کردن قوم (قمر آیه ۱۳، هود آیه ۳۸). (مسأله‌ی تمسخر قوم یکی دیگر از موضوعاتی است که در تورات ذکر نشده است.) مؤمنان همراه نوح(ع): تورات در بندهای مختلف (سفر پیدایش: ۱۸:۶، ۱:۷، ۷:۷) حوادث سوار شدن بر کشتی تا شروع طوفان و اتمام عذاب نام چند نفر از کسانی را که همراه نوح(ع) بودند تکرار می‌کند. به عنوان نمونه هنگام خروج از کشتی آمده که «از کشتی بیرون شو، تو و زوجهات و پسرانت و ازواج پسرانت با تو.» (همان، ۱۶:۸) تورات از مؤمنان همراه نوح(ع) سخن نمی‌گوید: در قسمتی آمده که «فقط تو در حضور من پرهیزگار هستی.» (همان، ۱:۷) و نجات یافتگان را، نوح(ع) و خانواده‌ی او البته نه به جهت صالح بودن بلکه به جهت خویشاوندی با نوح(ع) ذکر می‌کند (اشرفی، ۱۳۸۵: ۲۲۴) در حالی که قرآن در دو آیه از مؤمنان همراه نوح(ع) یاد می‌کند یکبار هنگام سوار شدن بر کشتی (هود آیه ۴۰) و بار دیگر هنگام خروج از کشتی (هود آیه ۴۸). علت نادیده گرفتن این مسأله در تورات شاید کمی تعداد ایمان آوردگان به نوح(ع) است که در آن اختلاف است. همچنین مهم بودن نسب در نزد یهود که در چند مرحله پسران نوح(ع) را از نجات یافتگان دانست. شاید هم تورات قصد دارد تمام عالم را یهودی معرفی کند به این خاطر از سایر نجات یافتگان حرفی نزنده است. عبرت‌گیری: از جمله موارد مهمی که تورات از آن غفلت ورزیده است، عبرت‌گیری از داستان نوح(ع) است. قرآن در آیات مختلفی به این مسئله اشاره کرده است (عنکبوت آیه ۱۵، قمرآیه ۱۵، شعرا، آیه ۱۲۱ مومنون، آیه ۳۰).

فیلیپ از مستشرقان غرب و مسیحی است و معجزه بودن قرآن را قبول ندارد اما وقتی قصص قرآنی را بررسی کرده و تفاوت آن را با دیگر تاریخ‌نگاری‌های بشری مشاهده نموده، در فضل قرآن این گونه اعتراف می‌کند: «همه این قصه‌ها به منظور تهذیب و تأدیب آمده است، غرض قصه‌گویی نبوده بلکه عبرت گرفتن بوده است تا مردم بدانند که خداوند به دوران‌های سلف نیکان را ثواب و بدان را عقاب می‌کرده است.» (زمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). یکی از آموزه‌های این آیات این است که از سرگذشت نوح(ع) عبرت بگیرید و در راه حق شکیبیا باشید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۲۰/۴). بنابراین تورات از ذکر اصلی‌ترین بخش داستان که عبرت‌گیری است غافل شده چون هدفش چیز دیگری است قرآن این قصه را برای عبرت‌گیری بیان کرده و در آخر داستان هم به آن اشاره کرده است.

۳-۵- اختلاف در بیان وقوع عذاب و محل طوفان

در مورد گستره جغرافیایی محل طوفان بین قرآن و تورات اختلاف است. در تورات آغاز طوفان به طور مفصل ذکر شده است و به شرح مقدار بارش باران هم می‌پردازد ضمن اینکه معتقد است که همه جهان را آب فرا گرفت (سفر پیدایش، ۷: ۱۲-۲۴)، در حالی که در قرآن مفسران دو نظریه مطرح کرده‌اند.

قبل از بیان نظر مفسران، به این اشاره می‌کنیم که نظریه‌های باستان‌شناسی در مورد گستره‌ی طوفان حضرت نوح(ع) مختلف است. بعضی معتقدند که طوفان جهانی بوده (رشید رضا، بی تا: ۱۲/۱۰۸، طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۰/۳۹۵) و بعضی هم معتقدند که فقط مختص سرزمین قوم نوح(ع) بوده است. (بوکای، بی تا: ۷-۲۹۶ و بیومی مهران، ۱۳۸۳: ۴/۸۸).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان عمومی بودن طوفان را ثابت می‌کند و معتقدند که چون دعوت آن جناب عمومی بوده قهراً باید عذاب نازل شده نیز عموم بشر را فرا گرفته باشد. دلیل دیگر ایشان بر عمومی بودن طوفان این است که خداوند در دو آیه می‌فرماید که به نوح(ع) دستور دادیم که از هر نوع حیوان نر و ماده‌ای یک جفت داخل کشتی کند چون اگر طوفان اختصاص به یک ناحیه از زمین داشت مثلاً مختص به سرزمین عراق بود احتیاج نبود که از تمامی حیوانات یک جفت سوار کشتی کند و دلیل این مسأله را این گونه بیان می‌کنند که فرضاً اگر حیوانات عراق منقرض می‌شدند، در نواحی دیگر زمین وجود داشت. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۰/۳۹۳)

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه معتقدند که طوفان نوح(ع) حادثه‌ای بوده برای سراسر روی زمین، زیرا کلمه ارض (زمین) به طور مطلق ذکر شده است. البته ایشان منطقه‌ای بودن طوفان را هم به کلی نفی نمی‌کنند، زیرا معتقدند که اطلاق کلمه ارض بر یک منطقه وسیع مکرر در قرآن آمده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۹: ۹/۱۰۲). در قرآن برخلاف نقل تورات، حضرت نوح(ع) به هنگام سوار شدن بر کشتی نام خدا را به زبان می‌آورند (هود آیه ۴۱).

این مسأله که چقدر باران بارید مهم نیست، مهم این است که قوم نافرمان دچار عذاب طوفان شدند که قرآن به زیبایی آن را مطرح کرده است. در حالی که همانطور که اشاره شد تورات به طور مفصل به شرح آن پرداخته است.

۳-۶- تفاوت در معرفی همسر و پسر نوح(ع)

تفاوت دیگر این است که تورات پسر و همسر نوح(ع) را جزء نجات یافتگان می‌داند در حالی که قرآن این دو را جز غرق شدگان می‌داند: در مورد همسر نوح(ع) در آیه ۱۰ سوره مبارکه تحریم صحبت شده است. آیه‌ی دیگر در مورد پسر نوح(ع) است که غرق شد (هود آیه ۴۱). اما علت نجات همسر و پسر خطاکار نوح(ع) در تورات شاید به همان مسأله نسب‌نامه یهود برگردد. به هر حال با وجود نص صریح قرآن در این مورد، سخنان تورات در این مورد باطل است.

۳-۷- اختلاف در بیان پایان یافتن عذاب

تورات در مورد فروکش کردن آب و اتمام طوفان همانند شروع آن بحث مفصلی دارد. (سفر پیدایش: ۸: ۱۴-۱) قرآن کریم اتمام عذاب را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند و در آیه ۴۸ سوره مبارکه هود به این مسأله می‌پردازد و فرود آمدن کشتی را بر روی کوه جودی ذکر می‌کند.

آنچه که مهم است نجات ایمان آورندگان و غرق کافران است و سایر مسائل مطرح شده در تورات بی اهمیت است، زیرا ذکر جزئیات این مسئله تأثیری در عبرت‌گیری آیندگان ندارد.

همچنین تورات از قربانی کردن توسط نوح(ع) برای خدا می‌گوید و اینکه خداوند از نابودی و هلاکت انسان پشیمان می‌شود (سفر پیدایش، ۸:۲۰ و ۸:۲۱) در حالی که در قرآن چنین مطالبی به چشم نمی‌خورد، در تورات خدا با نوح(ع) و پسرانش عهد می‌بندد و نشان آن رنگین کمان در آسمان است ... (همان، ۹: ۱۴-۸) ولی در قرآن از این عهد و رنگین کمان خبری نیست، در تورات آمده است که پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند سام و حام و یافث بودند و حام پدر کنعان است. اینانند سه پسر نوح و از ایشان تمامی جهان منشعب شد. (همان، ۹: ۱۹-۱۸) اما قرآن از پسران نوح(ع) هنگام خروج از کشتی نام نبرده است.

۳-۸- اختلاف در بیان عمر حضرت نوح(ع)

قرآن در آیه ۱۴ سوره مبارکه عنکبوت از مدت طولانی تبلیغ ایشان می‌کند. به عبارت دیگر آن حضرت قبل از طوفان ۹۵۰ سال عمر کرد. این مطلب مورد اتفاق همه مسلمانان است و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد، اما نسبت به بخش دوم زندگی آن حضرت یعنی بعد از طوفان قرآن سکوت کرده است (مکارم شیرازی، ۵۸:۱۳۹۰) اما تورات سن آن حضرت را هنگام طوفان ۶۰۰ سال ذکر می‌کند و در نهایت می‌گوید در ۹۵۰ سالگی وفات یافت. (سفر پیدایش، ۹: ۲۹، ۷: ۶). هر چند به ظاهر شاید سن مهم نباشد اما چون قرآن ذکر کرده حاکی از اهمیت مدت هدایتگری ایشان دارد و قرآن هم که کتاب هدایت است آن را ذکر کرده اما تورات به این موضوع هم، توجهی نشان نداده است.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب گفته شده در مورد زندگی حضرت نوح(ع) در قرآن و تورات نتیجه‌ای که به دست می‌آید این است که قرآن در مورد اماکن جغرافیایی و تاریخی در حد ضرورت سخن گفته است؛ زیرا قرآن کتاب تاریخ نیست. با توجه به شباهت‌های داستان، از جمله ساخت کشتی و مسافران آن، نوع عذاب و ... مشخص می‌شود که منشأ قرآن و تورات الهی است، ولی تورات فعلی، آمیخته‌ای است از سخنان صحیح (که قرآن آنها را تأیید می‌کند) و آمیخته‌ای از خرافات و تحریف که به دست بشر نوشته شده است و تورات کتابی است که احکام را بیان کرده است. براساس اختلافات داستان، همانند

صفات حضرت نوح(ع)، پایان یافتن عذاب، عمر ایشان و ... این نتیجه به دست می‌آید که قرآن هر آنچه را فرموده در راستای هدایت بشریت است و از آنچه که در هدایت انسان نقشی ندارد، سخن نگفته است.

مطالبی که هم در تورات و هم در قرآن آمده بیانگر آن است که قرآن آنها را تصدیق کرده و آنچه از مطالب که در قرآن آمده و تورات ذکر نکرده، (یا به دلیل تحریف به نقیصه بوده یا به خاطر رعایت درک مردمان همان عصر) و به معنی این است که قرآن درصدد تکمیل مطالب تورات برآمده است که مهیمن بودن قرآن را نشان می‌دهد که در آیه ۴۸ مائده به آن اشاره شده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ.» «و ما این کتاب [قرآن] را به حقّ به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست.»

منابع

* قرآن کریم

* تورات

- ۱) ارجینی، ابراهیم (۱۳۹۲): تبار انحراف، زیر نظر مهدی طائب، قم: ولاء منتظر، چاپ هفتم.
- ۲) ابوخلیل، شوقی، (۱۳۸۸): اطلس قرآن، مترجم زینت فتحی، مشهد: پاپلی، چاپ دوم.
- ۳) اشرفی، عباس، (۱۳۸۵): مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- ۴) باهنر، محمدجواد، (۱۳۶۱): دین شناسی تطبیقی، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵) بروجردی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶): تفسیر جامع، ج ۳، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم.
- ۶) بوکای، موریس، (بی تا): تورات، انجیل، قرآن و علم، مترجم حسن حبیبی، بی جا: سلمان.
- ۷) بیومی مهران، محمد، (۱۳۸۳): بررسی تاریخی قصص قرآن، مترجم مسعود انصاری، ج ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۸) جزایری، سید نعمت الله، (۱۳۸۸): قصه‌های قرآن و انبیا، مترجم لطیف راشدی و سعید راشدی، قم: مسجد مقدس جمکران، چاپ اول.
- ۹) جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳): تفسیر موضوعی، ج ۴، قم: اسراء، چاپ سوم.
- ۱۰) حسین زاده، محمدعلی، (۱۳۸۳): سیری در مکتب یهود، تهران: کیهان، چاپ اول.
- ۱۱) حسینی شیرازی، محمد، (۱۳۸۰): دنیا بازیچه یهود، قم: انتشارات امام صادق(ع)، چاپ پنجم.
- ۱۲) خزائلی، محمد، (۱۳۷۱): اعلام قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۳) خوئی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵): مرزهای اعجاز، ترجمه جعفر سبحانی، قم: موسسه امام صادق، چاپ اول.
- ۱۴) رشیدرضا، سید محمد، (بی تا): تفسیر المنار، ج ۱۲، بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۵) رضایی اصفهانی محمدعلی، و دیگران، (۱۳۸۹): تفسیر قرآن مهر، ج ۴، قم: عصر ظهور، چاپ اول.
- ۱۶) زمانی، محمدحسن، (۱۳۹۱): مستشرقان و قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم.
- ۱۷) سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۷): معاد شناسی، مقدمه و ترجمه علی شیروانی، قم: دارالفکر، چاپ چهارم.
- ۱۸) _____، (بی تا): منشور جاوید، ج ۱ و ۵، قم: موسسه امام صادق، چاپ اول.
- ۱۹) شفیع، سید روح الله، (۱۳۹۵): خاندان پیامبر در قرآن و کتاب مقدس، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- ۲۰) طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۸): ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵ و ۱۰ و ۱۵، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲۸.
- ۲۱) عرب، محمد حسن، (۱۳۹۰): دانشنامه اماکن جغرافیایی قرآن مجید، تهران: نشر فرهنگ مکتوب، چاپ دوم.
- ۲۲) قنادی، صالح، (۱۳۸۱): قصه‌های قرآن، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، چاپ اول.
- ۲۳) ماسون، دنیز، (۱۳۸۹): قرآن و کتاب مقدس درون مایه‌های مشترک، مترجم فاطمه سادات تهامی، ج ۱، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ سوم.
- ۲۴) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸): آشنایی با قرآن، ج ۹، تهران: صدرا، چاپ ۷.
- ۲۵) مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۷): ترجمه تفسیر کشاف، مترجم موسی دانش، ج ۴، بی جا: بی نا، چاپ اول.
- ۲۶) مکارم شیرازی، (۱۳۷۷): ناصر، پیام قرآن، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.

۲۷) _____، (۱۳۹۰): پیامبران اولوالعزم (زندگی پرماجرایی حضرت نوح - (ع))، تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، بی جا: نجفی، چاپ اول.

۲۸) _____، (۱۳۷۹): تفسیر نمونه، ج ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۲۱.

۲۹) یحیی، هارون، (۱۳۸۲): اقوام هلاک شده، مترجم مزگان دستوری، تهران: کیهان، چاپ اول.

۳۰) یزدان پرست، حمید، (۱۳۸۴): داستان پیامبران در تورات، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی، تهران: نشر اطلاعات، چاپ پنجم.